مشهد قدیم

بهار سال ۱۳۲۲ در مشهد سیلاب‌هایی آمد که مزارع گندم را خراب کرد و سبب قحطی شد

باران، نان را برد



این تصویر متعلق به دهه ۴۰ است، وقتی ایران با کشتی از طریق دریای خزر، گندم به روسیه صادر می‌کرد. درست ۱۸ سال پس از قحطی و واردات گندم از روسیه



تصویری از مزارع خراسان در دهه ۴۰ قرن ۱۴ خورشیدی

سیده‌نعیمه زینبی| امسال باران‌های تندی همه را به‌نوعی غافل‌گیر و اتفاقاتی، شهر امام‌رضا(ع) را درگیر خود کرد. سیلاب و آب‌گرفتگی معابر خسارت‌های زیادی به‌بار آورد و برای چندروز دغدغه شهر به آسمان گره خورد. اتفاقاتی افتاد که برای بسیاری از ما تازه بود و مشابه آن را در ذهن نداشتیم. البته ماجرا برای کهن‌سالان شهر کمی متفاوت بود. آن‌ها پیش‌ازاین چندین‌بار مشهد را در سیلاب دیده بودند و احتمالا اتفاقات این روزها خاطرات آن‌ها را زنده کرده است؛ زیرا این ماجرا برای بار نخست نیست که اتفاق می‌افتد و مسبوق به‌سابقه است. بارها‌وبارها بارندگی‌های سیل‌آسا در این شهر اتفاق افتاده و گاهی حتی منجر به جاری‌شدن سیلاب و خانه‌خرابی مردم شده است. در اخبار و اسناد بیشتر درباره سیل‌های سال ۱۳۲۹، دهه۴۰ و دهه۷۰ صحبت شده؛ اما در این میان ماجراهای مشابه دیگری هم بوده که مغفول مانده است. جالب است بدانید بیشتر این سیلاب‌ها هم در بهار اتفاق افتاده است. کمتر از یک هفته پیش سالگرد وقوع سیل سال ۱۳۲۹ خورشیدی بود که منجر به خرابی بخش زیادی از پایین خیابان شد و یکی از خاطرات همیشگی هفتادهشتاد ساله‌های شهر را رقم زد. در یکی دیگر از بارش‌های سنگین که جسته‌گریخته در مطبوعات منعکس شده است، می‌توان اثر این بارندگی‌های سیل‌آسا را بر شهر به‌خوبی مشاهده کرد؛ باران‌هایی که وقتی از مقدار معمول بیشتر می‌شد، یک شهر را فلج می‌کرد.

۱ بارندگی و خسارت به باغ‌ها

در ۱۴ فروردین سال ۱۳۲۲ روزنامه آزادی می‌نویسد: «از هفتم اسفند تاکنون که ۳۷ روز است هوای مشهد ابر است و جز این دوسه روز آخر - آن هم چند ساعتی - آفتاب نشده است و در طول این مدت باران‌های ممتد، تگرگ، برف‌های سخت در شهر و اطراف نازل و تا حال کشت دیمه و چغندرقند و بعضی حبوب، خاصه نخود، عقب افتاده است.» در قسمت بعدی به خرابی‌ای که این بارش‌ها در شهر ایجاد کرده است، اشاره می‌کند و می‌نویسد: «امتداد ابر و کثرت بارندگی هم موجب کدورت و هم در شهر خرابی بسیار وارد کرده است و در این دو هفته اخیر جمعی زیر آوار رفته‌اند.» سبزنشدن درختان و شکوفه ندادن آن‌ها هم بخشی از خسارتی است که این بارش‌های تندری به باغ‌ها زده بود که روزنامه آزادی درباره‌اش نوشت: «سال گذشته هفدهم اسفند شکوفه را سرما سیاه کرد ولی تاکنون امسال هیچ اثری از زنده شدن اشجار نیست. آنچه معمرین می‌گویند هوای امسال هیچ در زندگانی آن‌ها سابقه نداشته است.»

۲ بسته‌شدن راه‌های خراسان

ماجرای این باران‌ها در دیگر اخبار نیز منعکس می‌شود. جای دیگری این روزنامه در ادامه همین خبر می‌نویسد: «چون در تمام نقاط بارندگی زیاد شده است و بیابان‌ها را آب گرفته، غالب راه‌ها از جمله راه مشهد به تهران بسته شده و مسافرین خراسان به تهران در سبزوار توقف کرده‌اند. به راه‌های شوسه و پل‌ها نیز صدمه و خرابی فراوان وارد و اتومبیل‌های زیادی در بیابان مانده‌اند.»
چندروزی طول می‌کشد تا خبر باز شدن راه تهران در همین جریده به چاپ برسد: «بر اثر بارندگی‌های متوالی و شدید و جریان سیل راه عباس‌آباد بین شاهرود و سبزوار به‌کلی خراب و مسدود شده بود. اینک به قراری که اداره راه شوسه شاهرود خبر می‌دهد بر اثر اقداماتی که شده، راه تعمیر و باز گردیده و وسائط نقلیه و مسافرین رفت‌وآمد می‌نمایند.»
این بارش‌ها باز هم به مسیرهای بین‌شهری آسیب می‌رساند و بیشتر خطوط خراسان بر اثر زیادی بارش خراب می‌شود و مسئله حمل‌ونقل را در خراسان به یک مسئله جدی تبدیل می‌کند. این بارندگی‌ها باعث خرابی قنات‌ها نیز می‌شود تا آب هم به یک معضل تبدیل شود. به‌همین خاطر شهرداری مشهد در آن زمان اقدام به لای‌روبی قنات‌ها می‌کند و آگهی مزایده آن را در روزنامه آزادی به چاپ می‌رساند.

۳ آوار خانه‌ها بر سر مردم

البته ماجرای این بارش‌ها به همین جا ختم نمی‌شود و آوار خانه‌ها نیز بخشی از اخبار مربوط به باران‌های سیل‌آسا را تشکیل می‌دهد: «چنانچه در شماره قبل اطلاع داده بودیم، بر اثر بارندگی‌های ممتد و خیس‌شدن منازل در نقاط مختلف شهر خانه‌هایی که خیلی کهنه و سست‌بنیان بوده‌اند اغلب خراب و اشخاصی به زیر آوار مانده، تلف یا زخم‌دار شده‌اند.» در یکی از حوادثی که در کوچه «پنجه» اتفاق افتاده چندنفری زیر آوار می‌مانند. جراید این حادثه را چنین توصیف می‌کنند: «از جمله چند شب پیش در کوچه پنجه سقف خانه غضنفر کاظم‌آبادی خراب می‌گردد، زنی که اولاددار (باردار) بوده و دو طفل دیگر، زیر آوار می‌مانند. وقتی هم پدر خانواده به خانه مراجعت می‌کند، کثرت خرابی طوری بوده که تا صبح نمی‌توانند جنازه‌ها را از زیر خاک بیرون بکشند.» این بارندگی‌ها در روزهای بعد هم ادامه پیدا می‌کند. در ۳۱ فروردین سال ۱۳۲۲ خورشیدی این بارش‌ها خبرساز می‌شود: «بر اثر بارندگی اخیری که در مشهد شد و دوازده ساعت ادامه داشت، بعضی منازل دیگر خراب شدند؛ از جمله در خیابان صفوی کاروان‌سرای حاج جواد خراب شد و چند نفر دیگر زیر آوار ماندند.»

۴ کمبود گندم در شهر

این اتفاقات حتی کمبود گندم را به یک مسئله جدی در شهر تبدیل می‌کند. در اخبار آن زمان چنین آمده است: «نظر به اینکه به‌واسطه بارندگی‌های فوق‌العاده امسال، قسمتی از راه‌های خراسان دچار خرابی گردیده و نیز به‌واسطه کمی وسائط نقلیه، اخیرا جنس به مقدار کافی به شهر مشهد وارد نمی‌شد.» البته این مشکل در حد یک خبر باقی نمی‌ماند و کار نبود نان در شهر به جایی می‌رسد که استاندار خراسان با سرکنسول شوروی مذاکره می‌کند تا در صورت امکان مقداری غله [با کشتی] از عشق‌آباد به مشهد برسانند. البته قول استرداد این مقدار گندم را هم روس‌ها می‌گیرند.
کازلوف، سرکنسول اتحاد جماهیر شوروی، با این نظر موافقت می‌کند و خبر رسیدن اولین محموله گندم به مشهد هم در شهر می‌پیچد. در ۲۲ اردیبهشت‌ماه آن سال حدود بیست تن گندم از سوی شوروی به مسئولان مشهد تحویل شده است تا احتیاجات اولیه شهر برطرف شود.

گفتارهایی در باب تاریخ و فرهنگ شهر بهشت (قسمت صدوچهل‌وسوم)

سرگذشت شکل‌گرفتن مدارس علمیه مشهد

(بخش چهاردهم)

مرضیه ترابی| صحبت ما درباره تاریخ مدارس علمیه در شهر مشهد به انتهای دوره صفویه و توضیحاتی درباره مدرسه مهم و مشهور «فاضلیه» یا «فاضل‌خان» رسید؛ مدرسه‌ای که طبق نقل ملاهاشم خراسانی در «منتخب‌التواریخ» در دوره مشروطه کتابخانه‌ای به ارزش ۷۰ هزار تومان داشت و براساس گزارش زنده‌یاد عبدالحمید مولوی در کتاب «موقوفات آستان قدس»، از موقوفه‌های بسیار ارزشمندی برخوردار بود که شامل مزارعی آباد و پردرآمد می‌شد. نهضت ساخت مدارس علمیه در شهر مشهد، طی دوره افشاریه با اندکی نقصان روبه‌رو شد. شاید دلیل این امر، اولا کوتاهی دوران اقتدار و حکومت نادرشاه و ثانیا سیاست مذهبی وی بوده باشد که اینجا جای بحث درباره آن نیست؛ با این حال با روی کار آمدن قاجاریه و تسلط آن‌ها بر مشهد، پس از برانداختن شاهرخ، نواده نادرشاه، دوباره رونقی در توسعه عمرانی مدارس علمیه مشهد (اعم از تأسیس یا تعمیر و ترمیم) آغاز شد. قاجارها که به‌دنبال کسب مشروعیت برای حکومتشان بودند، کوشیدند خود را میراث‌دار صفویه معرفی کنند. آقامحمدخان، سرسلسله این دودمان، هنگام تاج‌گذاری شمشیر شاه‌اسماعیل یکم را بر کمر بست تا به این ترتیب خود را وارث دودمان شیخ صفی‌الدین اردبیلی و افشاریه را غاصبان ردای سلطنت معرفی کند. این رویکرد سیاسی باعث شد قاجارها تلاش کنند جاپای صفویه بگذارند و از آنجاکه مشهد در عصر صفوی شاهد جهشی بلند در توسعه عمرانی بود، قاجارها نیز در این عرصه دست به تکاپوهای گسترده‌ای زدند. بخشی از این تکاپوها، در ساخت و تعمیر مدارس علمیه مشهد متمرکز بود. یکی از مهم‌ترین مدارسی که در این دوره ترمیم شد، مدرسه «ملاتاج» یا «مستشار» بود که قدمت آن دقیقا معلوم نیست. طبق روایت ملاهاشم خراسانی، مدرسه ملاتاج «در میان صحن عتیق [قرار دارد و] اصلش معلوم نیست، لکن تعمیرش را میرزارضای مستشارالملک کرده و تاریخ تعمیرش تقریبا در حدود سنه ۱۲۹۰ بوده.» بخشی از این مدرسه قدیمی هنگام ساخت صحن عتیق در دوره صفوی، به فضای صحن اضافه شد. مدرسه ملاتاج در تخریب سال ۱۳۵۴ش. ویران و به فضای سبز تبدیل شد. امروزه بیشتر بخش‌های این مدرسه قدیمی، بخشی از بست شیخ طبرسی در شمال حرم رضوی است. از دیگر مدارس این دوره می‌توان به مدرسه «علینقی میرزا» یا «پایین‌پا» اشاره کرد که توسط علینقی میرزا، از فرزندان فتحعلی‌شاه قاجار، ساخته شد و امروزه بخشی از اماکن متبرکه حرم رضوی است و به رواق «دارالذکر» شهرت دارد. در میان مدارس علمیه‌ای که در دوره قاجار ساخته شده و هنوز فعال‌اند، مدرسه «سلیمان‌خان» شهرت بسزایی دارد. این مدرسه از بناهای امیرسلیمان‌خان قاجار، ملقب به «اعتضادالسلطنه» است که آن را بین سال‌های ۱۲۰۰ تا ۱۲۱۱ قمری بنا کرد. مدرسه سلیمان‌خان یا «سلیمانیه» احتمالا نخستین مدرسه علمیه‌ای است که در دوره قاجار در مشهد ساخته شد. این مدرسه ابتدا در جنوب شرقی حرم رضوی و مقابل مسجد ۷۲تن، مشهور به مسجد شاه، مقبره امیرغیاث‌الدین ملکشاه، از اُمرای دوره تیموری، در انتهای بازارفرش فعلی قرار گرفته بود و طبق گزارش مرحوم استاد عزیزا... عطاردی در جلد دوم کتاب «فرهنگ خراسان»، با دستور آیت‌ا... العظمی خوئی در سال ۱۴۰۲ قمری (۱۳۶۱ خورشیدی) تجدید بنا شد؛ اما در سال ۱۳۷۷ش. در طرح توسعه حرم رضوی قرار گرفت و آن را کاملا تخریب کردند و به جای بنای قبلی، بنایی معظم برای مدرسه در کوچه «پنجه»، مقابل درورودی خانه معروف کوزه‌کنانی، ساخته شد که آن را در سال ۱۳۹۲ خورشیدی افتتاح کردند.

ادامه دارد...

کاشی آبی

تنها در میان «چهارباغ»



زینبی| خانه حسین‌زاده در محله قدیمی چهارباغ قرار دارد؛ خانه‌ای که به‌نام صاحب‌خانه‌اش معروف شده است؛ اما اطلاعاتی بیش از این نام درباره صاحب یا صاحبان قبلی این بنا و تاریخچه ساخت آن باقی نمانده است. با این همه باتوجه به شیوه معماری می‌توان جبهه شمال‌شرقی آن را به دوره پهلوی اول و جبهه دیگر را به پهلوی دوم (پیش از سال ۱۳۳۵ خورشیدی) نسبت داد.
زمین این بنای تاریخی حدود ۴۰۱ مترمربع است و بخش مسکونی آن دو بخش زمستان‌نشین و تابستان‌نشین دارد. حیاط این منزل نیز حدود ۱۶۶ مترمربع دارد و مانند دیگر خانه‌های تاریخی شهرمان، میزبان چندباغچه پردرخت و یک حوض آبی‌رنگ در میانه است؛ ترکیب دل‌نشینی که روزگاری به این خانه صفا می‌داده و چشم و چراغ اهالی آن بوده است. این بنا همچنین دو در ورودی دارد. ورودی اصلی و قدیمی آن از سوی زمستان‌نشین خانه و ورودی دیگر در جبهه تابستان‌نشین آن - از انتهای کوچه بن‌بستِ متصل به بنا - ایجاد شده است. بخش زمستان‌نشین دو طبقه است. این فضا یک بخش هشتی‌مانند هم در طبقه همکف دارد و دسترسی به اتاق‌های طبقه همکف، میان‌سرا و پلکان طبقه اول را میسر می‌کند. بخش تابستان‌نشین خانه نیز دارای دو طبقه است. طبقه همکف آن تعدادی اتاق تودرتو دارد که نمی‌توان نظام خاصی را برای آن درنظر گرفت. پلکانی در ورودی این بخش ما را به طبقه اول ساختمان می‌برد که سه اتاق برای مهمانی و پذیرایی ساخته‌اند. اگر از بیرون خانه به آن نگاه کنی، جز یک خانه قدیمی چیز دیگری نمی‌بینی و نمی‌توانی گوشه‌ای از گنجی را که در دل خود پنهان کرده است کشف کنی. سردر کوچه با آجرکاری خفته‌راسته تنها تزیین بناست. دو جبهه این بنا براساس زمان شکل‌گیری و شیوه معماری دارای نماهایی متفاوت از لحاظ تزیینات است. در بخش زمستان‌نشین تزیینات متنوع، مانند آجرکاری، کاشی‌کاری‌های گوناگون، از قبیل معلقی کلوک‌بندان، گل پنج‌رجی و آجرکاری خفته‌راسته دارد. گره‌سازی‌های سنتوری در بالای پنجره‌های طبقه اول این جبهه نیز از نوع گره شمسه است. در میان پنجره‌ها نیز دو چراغ‌دان برای روشنی‌بخشیدن به شب‌های تاریک و طولانی روزگار گذشته، قرار گرفته که با گره شمسه زیباتر شده است. بخش تابستان‌نشین آن نیز ساده و پوشیده با آجر است.
* این خانه تا پایان سال ۱۳۹۷ - که پژوهش دکتر ایوانی به پایان و در قالب کتاب به چاپ رسید - هنوز در میان کوچه پس کوچه‌های چهارباغ نفس می‌کشید ولی درباره وضعیت کنونی آن باتوجه به تغییرات سریع و پی‌درپی آن محدوده نمی‌توان حرف درخور توجهی زد.

حدود ۱۸ سال پیش مزار سیدعبدا... برزش‌آبادی ثبت ملی شد

بقعه‌ای زیارتی با تاریخچه‌ای صفوی

میراث ماندگار

زینبی| روز هفدهم خردادماه سال ۱۳۸۵ بود که بقعه سیدعبدا... برزش‌آبادی در زمره آثار ملی ایران به ثبت رسید و خبر آن اعلام شد. از زمان معرفی این اثر در سال ۱۳۷۸ تا تهیه گزارش برای ثبت آن، حدود چهار سال و انجام مراحل ثبت آن حدود سه سال طول کشید تا بالاخره خیال میراث‌دوستان راحت شود. این بقعه در روستای برزش‌آباد در فاصله دوازده‌کیلومتری شمال شرق مشهد قرار دارد و شماره ۱۵۵۶۲ در فهرست آثار ملی به آن اختصاص پیدا کرده است. در کنار این بنا در فهرست آثار ثبت‌شده، قلعه کهنه چاهشک، حمام قدیمی روشناوند، آب‌انبار قدیمی روشناوند، مزار چهارگنبد و قبرستان ویرانی هم قرار داشت.





درباره مزار سیدعبدا... برزش‌آبادی

این بقعه مانند یک نگین در میان یک قبرستان در جانب شرقی این روستا سال‌هاست زیست می‌کند و قبرهای دیگر بر گرد آن ساخته شده است. درباره شخصیت سیدعبدا... برزش‌آبادی در کتاب‌ها و متون تاریخی حرف زیاد گفته شده است که نیاز به بررسی دقیق دارد؛ اما به‌طورکلی باید گفت او از نوادگان امام چهارم(ع) است و سلسله نسبش در کتاب روض‌الجنان، تألیف حسین کربلایی (قرن هشتم)، به نام امام زین‌العابدین(ع) ختم می‌شود. البته با وجود قدمت مزار درباره ساخت بقعه برای آن نمی‌توان هیچ مدرک و مستند موثقی یافت؛ اما از شواهد و قرائن امر چنین برمی‌آید که این بنا در اواخر دوره صفویه سقف و ستون خورده است. درواقع او در همین روستا ولادت یافته و درگذشته است تا نام برزش‌آبادی در انتهای نامش بماند. قدمت این بنا ظاهرا به دوران صفویه بازمی‌گردد و البته هیچ اقدام پژوهشی‌ای برای شناخت بیشتر آن انجام نشده است. مالکیت بنا وقفی و اداره آن برعهده اداره‌کل اوقاف و امور خیریه استان خراسان رضوی است. مزار سیدعبدا... مورد توجه اهالی روستا و میعادگاهی برای آنان است. بسیاری از مردم به این شخصیت احترام می‌گذارند و به زیارت مزارش می‌روند و اکنون نقش زیارتگاهی این امام‌زاده در این روستا پررنگ است.

ویژگی‌های معماری مزار سیدعبدا... برزش‌آبادی

این بقعه برفراز یک تپه کوچک قرار گرفته و قبور مردم روستا بر گرد آن ساخته شده است. بنای مربع‌شکل مزار چهار درگاهی طاق‌های هلالی دارد و درِ ورودی آن در ضلع شمال شرقی آن قرار گرفته است. سه درگاهی دیگر نور را توسط پنجره‌ها به درون سازه می‌کشد. در جلوی ورودی نیز اتاقکی قرار گرفته که در سال ۱۳۸۰ به‌عنوان کفش‌کن به بنای بقعه الحاق شده است و از تغییرات عمده بناست. در چهارگوشه بقعه نیز فرورفتگی‌های ایوان‌مانند چلیپایی ایجاد شده است که احتمالا برای چله‌خانه اهل عرفان استفاده می‌شده است و گمان خانقاه بودن این فضا را قوت می‌بخشد. ارتفاع این اتاقک‌ها حدود ۱۸۰ سانتی‌متر است که توسط دو طاق و یک گنبد کوچک در مرکز پوشیده شده‌اند. آجرهای مربعی همراه با ملاط گل و گچ از مصالحی است که در ساخت این مقبره به کار رفته است. در وسط فضای داخلی بقعه سیدعبدا... نیز سکویی وجود دارد که بر روی آن سنگ لوحی سیاه‌رنگی - به ابعاد هفتاد درصد سانتی‌متر - قرار گرفته است که نوشته آن، این آرامگاه را به امیر سیدعبدا... منسوب می‌کند. ضریح آهنی نیز در سال ۱۳۷۲ توسط اداره اوقاف روی آن قرار گرفته است. از مسائلی که باید نگران آسیبشان برای این اثر ثبت ملی بود، نبود حریم تعریف‌شده برای این بنای تاریخی است که باعث شده است قبرهای تازه در محوطه نزدیک به آن حفر شود. این مسئله باتوجه به قدیمی‌تر بودن بافت مزارها در اطراف این بقعه و البته نیاز بنای بقعه به حفاظت و حفظ حریم، جای تأمل دارد و باید برای آن نگران بود.

سیدعبدا... برزش‌آبادی که بود؟

اهالی، اطلاعات زیادی درباره این امامزاده ندارند، جز اینکه براساس آنچه روی تابلوی سبزرنگ در ورودی نقش بسته از نوادگان امام سجاد(ع) است. در کتاب «مزارات ایران» درباره امامزاده سیدعبدا... اسحاق آمده است: «اجداد سیدعبدا... ابتدا در شوشتر زندگی می‌کردند. نیای چهارمش به نام شمس‌الدین محمد، در عصر ایلخانان به خراسان آمد و سال ۶۷۳ قمری در شهر مرو درگذشت. سیدعبدا... نیز او اسط شعبان سال ۷۸۹ قمری در برزش‌آباد متولد شد، در پنج‌سالگی به مکتب رفت، در شانزده‌سالگی مجاز به فتوا در مسائل شرعیه و در بیست‌سالگی از سوی پدرش، اداره خانقاه برزش‌آباد به وی واگذار شد. او پس از وفات پدر، در سال ۸۱۹ قمری، سفرهای علمی و عرفانی خود را آغاز کرد؛ اما پس از چند سال به موطن بازگشت و در نهایت نیز در سال ۸۷۲ قمری درگذشت و در زادگاه خود، برزش‌آباد، دفن شد.»